اسم او

عجیب

خواهد بود

اسم او

عجیب

خواهد بود

آیا کسی را می‌شناسید که نامش «عجیب» باشد؟

ما هر روز اشخاصی را ملاقات می کنیم که دارای اسامی بسیار زیبا و مناسبی هستند و گاهی هم اسم هایی را می شنویم که غریب و غیرمتناسبند، ولی من در تمام عمرم کسی را ندیده ام که به اسم «عجیب» موسوم باشد. همچنین در تمام کتب تاریخی یا افسانه هایی که خوانده ام خبر کسی را نشنیده ام که دارای این اسم باشد. ولی در یکی از قسمت های کتاب مقدس، یعنی در کتاب اشعیا نبی که قریب دو هزار و هفتصد سال پیش از این نوشته شده است، پیشگویی را دربارهٔ شخصیت بسیار بزرگی می‌خوانیم که باید ظاهر شود و اسمش را «عجیب» بگذارند، چنانچه نوشته شده است: «زیرا که برای ما ولدی زائیده و پسری به ما بخشیده شد و سلطنت بر دوش او خواهد بود و اسم او عجیب خوانده خواهد شد، ترقی سلطنت و سلامتی او را بر کرسی داود و بر مملکت وی انتها نخواهد بود تا آن را به انصاف و عدالت از الان تا ابدالاباد ثابت و استوار نماید» (اش ۹:۶ و ۷). این شخص که تا

ابدالاباد بر تخت حضرت داود سلطنت خواهد کرد و اسم او «عجیب» خواهد بود کیست؟ کاملاً واضح است که این شخص خود عیسی مسیح می باشد که قریب هفتصد سال بعد از اشعیا متولد شد. او از طریق مادرش از نسل داود بود، به همین دلیل اغلب وی را پسر داود می‌خوانند. شکی نیست که او عجیب ترین وجودی است که بر روی زمین ظاهر شده است.

اینک خوب است که راجع به بعضی از صفات عجیب این شخص بزرگ قدری تفکر کنیم.

۱. تولد مسیح عجیب بود

تمام کسانی که از زمان آدم تا حال متولد شده اند دارای مادر و پدر بوده اند، ولی عیسی مسیح پدر جسمانی نداشته است و غالباً او را عیسی ابن مریم می گویند، چون که از دختر باکره تولد یافت. این حقیقت مطابق پیشگویی اشعیا نبی است که فرمود: «اینک باکره حامله شده پسری خواهد زایید» (اش ۷:۱۴) و نیز منطبق است با پیام جبرائیل فرشته هنگامی که مژدهٔ تولد عیسی را به مریم داده، گفت: «روح القدس بر تو خواهد آمد و قوت حضرت اعلی بر تو سایه خواهد افکند، از این جهت آن مولود مقدس پسر خدا خوانده خواهد شد» (لو ۱:۳۵).

آیا به غیر از عیسی مسیح شخص دیگری را می شناسید که به این طرز عجیب وارد دنیا شده باشد؟

۲ـ پیشگویی‌ها راجع به مسیح عجیب بود

انبیای پیشین مثل داود، اشعیا، میکاه، دانیال و غیره، نه تنها تولد مسیح از باکره را قبلاً خبر دادند، بلکه محل تولد او، معجزات و زحمات او، مرگ او (که لازم بود برای گناهکاران فدیه شود)، زنده شدن او و سلطنت ابدی او را نیز پیشگویی کرده بودند.

راجع به هیچ کس دیگری که در این دنیا متولد شده است این قدر پیشگویی های عجیب در کتب آسمانی یافت نمی شود!

۳ـ بی‌گناه بودن مسیح عجیب بود

چه بسا مردمان خوبی در این دنیا زندگی کرده اند، ولی می بینیم که به هر اندازه که اینها مقدس بوده اند، به همان قدر به کثرت و قباحت گناهان خود پی برده و از خدا طلب مغفرت می کردند. لیکن عیسی مسیح توبه و استغفار ننمود، زیرا حتی یک گناه و زندگانی پاک او راه نیافت و هیچ یک از احکام الهی را زیر پا نگذاشت. او روزی به دشمنان خود گفت: «کیست از شما که مرا به گناه ملزم سازد؟» (یو ۸:۴۶). حواریون مسیح راجع به او نوشته اند: «هیچ گناه نکرد، و مکر در زبانش یافت نشد، چون او را دشنام می‌دادند دشنام پس نمی‌داد، و چون عذاب می کشید تهدید نمی نمود ... قدوس و بی‌آزار و بی عیب و از گناهکاران جدا شده» (۱ـ پطر ۲:۲۲و ۲۳، عبر ۷:۲۶).

آیا چیز بسیار عجیبی نیست که در این دنیای شریر منحصراً یک نفر ظاهر شده که ابداً احتیاجی به توبه و استغفار نداشته است؟

۴ـ محبت مسیح نسبت به گناهکاران عجیب بود

اشخاص نیکو طبعاً از بدی متنفرند و هر شخص پاک از ناپاکی منزجر می باشد.

بدیهی است که عیسی مسیح که پاک و از هر گونه گناه مبری بود، طبعاً از گناه نفرت داشت. بدین جهت شاید تصور کنیم که لازم بود مسیح خود را از گناهکاران نیز دور نگه دارد. ولی بالعکس بجای اینکه خود را از گناهکاران جدا کند. با آنان معاشرت کرده، غذا می‌خورد و راجع به محبت خدا با ایشان صحبت می کرد، و هنگامی که توبه می کردند با آغوش باز آنها را می پذیرفت و می فرمود: «من نیامده ام تا عادلان را، بلکه تا گناهکاران را به توبه دعوت کنم». از این لحاظ بود که دشمنانش وی را «دوست گناهکاران» نامیدند.

آیا چیز عجیبی نیست که آن کسی که گناهکاران را از هر شخص دیگر بیشتر محبت می نمود، همان است که از همه پاکتر بود؟

۵ـ قدرت مسیح در بخشیدن گناهان عجیب بود

هیچ کدام از پیامبران قدرت نداشتند شخصاً گناهان مردم را ببخشند. لیکن روزی مفلوجی را نزد مسیح آوردند تا وی را شفا دهد. مسیح ابتدا گناهان او را بخشید، ولی دشمنانش که در آنجا حاضر بودند، خیال کردند عیسی کفر گفته است، زیرا غیر از خدا هیچ کس نمی تواند گناهان را

بیامرزد. ولی مسیح فرمود که قدرت دارد گناهان را ببخشد و ضمناً با شفا دادن شخص مفلوج ادعای خود را ثابت کرد. همین طور زن گناهکاری را که برای نجات نزد او آمد آمرزید و به او گفت «گناهان تو آمرزیده شد به سلامتی روانه شو» (لو ۷:۳۶-۵۰).

آیا این قدرت مسیح در آمرزیدن گناهان عجیب نبود؟

۶ـ معجزات مسیح عجیب بود

گرچه موسی و الیاس و بعضی از پیامبران دیگر دارای معجزات بودند، اما هیچ کس به اندازهٔ عیسی مسیح معجزات بزرگ و متعدد انجام نداده است او مریضان را شفا می‌داد، ابرصان را طاهر می‌کرد، کوران را بینایی می بخشید و مردگان را زنده می‌نمود. نه تنها خودش این اعمال عجیب را انجام می‌داد، بلکه به شاگردان خود نیز قدرت بخشید تا همین کارها را بکنند. وقتی شاگردان، او را دیدند که به هنگام طوفان، دریا را آرام می‌نماید، متعجب شده گفتند: «این کیست که باد و دریا هم او را اطاعت می‌کنند؟» (مر ۵:۴۱)

واقعاً حق داشتند تعجب کنند زیرا مسیح شخص عجیبی بود.

۷ـ تعالیم مسیح عجیب بود

کسانی که تعالیم عیسی مسیح را می‌شنیدند متعجب شده می‌گفتند: «از کجا این شخص چنین حکمت به هم رسانید؟!» (مت ۱۳:۵۴) ذیلاً بعضی از فرمایشات عجیب او را نقل می‌کنیم: «خوشابحال پاک دلان زیرا ایشان

خدا را خواهند دید» (مت ۵:۸).

«هر کس به زنی نظر شهوت اندازد همان دم در دل خود با او زنا کرده است» (مت ۵:۲۸).

«هر کس بر رخسارهٔ راست تو سیلی زند دیگری را نیز به سوی او بگردان» (مت ۵:۳۹).

«دشمنان خود را محبت نمایید و برای لعن کنندگان خود برکت بطلبید، و به آنانی که از شما نفرت کنند احسان کنید و به هر که به شما فحش دهد و جفا رساند دعای خیر کنید» (مت ۵:۴۴).

«آنچه خواهید که مردم به شما کنند شما نیز بدیشان همچنان کنید» (مت ۷:۱۲).

«هر که در میان شما می‌خواهد بزرگ گردد خادم شما باشد، و هر که می‌خواهد در میان شما مقدم بود غلام شما باشد» (مت ۲۰:۲۶و۲۷).

«دادن از گرفتن بهتر است» (اع ۲۰:۳۵).

«به شما حکمی تازه می‌دهم که یکدیگر را محبت نمایید چنان که من شما را محبت نمودم» (یو ۱۳:۳۴).

وقتی این سخنان عجیب را می شنویم ما نیز تعجب می‌کنیم!

۸ـ فقر و فروتنی مسیح عجیب بود

معمولاً هر پزشکی که بیماران را شفا می‌دهد، می‌تواند هدایای آنان را قبول کند و شخص ثروتمندی شود. همچنین مسیح نیز که محتاجان را

مداوامی نمود، می توانست طلا یا جواهرات یا خانه یا املاک برای خود جمع آوری نماید، ولی او حتی جای سر نهادن نداشت. روزی پس از آنکه پنج هزار نفر را با پنج نان و دو ماهی سیر کرده بود، آن جماعت خواستند او را پادشاه خود کنند. ولی مسیح تخت پادشاهی را قبول نکرد، زیرا سطلنت او سلطنت روحانی بود. شب قبل از مصلوب شدنش پای های دوازده شاگرد خود را شست تا سرمشق فروتنی برای آنها بشود. مسیح در موقع مصلوب شدنش هیچ نداشت و تنها دارای وی همان لباس تنش بود که سربازان مأمور اعدامش، آن را بین خود تقسیم نمودند.

آیا عجیب نیست که شخص با قدرتی که توانست حیات، سلامتی، خوراک و نجات به دیگران بدهد حتی مسکن برای خود فراهم ننمود؟!

۹ـ مرگ مسیح عجیب بود

مسیح درزمان حیاتش چند مرتبه پیشگویی مرگش را کرده و گفته بود که در اورشلیم مصلوب خواهد شد و روز سوم از مردگان خواهد برخاست. ولی چون شاگرد صمیمی او، پطرس این را شنید به او گفت: «حاشا از تو ای خداوند که این بر تو هرگز واقع نخواهد شد» (مت ۲۲:۱۶). لیکن مسیح پطرس را توبیخ کرده، فرمود که فکر او فکر خدایی نیست، بلکه فکر شیطانی است که می خواهد از مرگ مسیح که برای فدیهٔ گناهان است جلوگیری کند.

هنگامی که موقع مرگ مسیح رسید و دشمنانش برای دستگیری او آمدند، شاگردانش خواستند مانع شوند، ولی خود مسیح نگذاشت و حتی به پطرس فرمود که شمشیر خود را غلاف کند. آن وقت شخصاً جلو رفته خود را به دشمنانش تسلیم کرد. وقتی رؤسا او را مسخره کرده می زدند، او خاموش ماند. وقتی سربازها دست ها و پای های او را میخکوب نمودند، آنان را لعنت ننمود و هلاک نکرد، بلکه برای آنان و جمیع دشمنانش دعا نموده، فرمود: «ای پدر اینها را بیامرز، زیرا که نمی دانند چه می کنند» (لو ۳۴:۲۳). وقتی که بالای صلیب بود رؤسای مذهبی او را تمسخر می کردند، ولی او هیچ جواب نمی داد. بعد از شش ساعت که بر صلیب زحمت دید، ندا کرد: «ای پدر، به دست های تو روح خود را می سپارم» (لو ۴۶:۲۳). این را که گفت جان بداد. آن وقت یکی از افسران رومی که نزدیک صلیب بود، از طرز مردن مسیح تعجب کرده، گفت: «حقیقتاً این شخص پسر خدا بود». البته عیسی مسیح مجبور نبود بمیرد، زیرا اگر مایل بود می توانست خود را نجات دهد. ولی او داوطلبانه جان خود را قربانی گناه مردم نمود، چنان که اشعیا نبی قرن ها قبل از او گفته بود: «و حال آنکه به سبب تقصیرهای ما مجروح و به سبب گناهان ما کوفته گردید و تأدیب سلامتی ما بر وی آمد، و از زخم های او ما شفا یافتیم. جمیع ما مثل گوسفندان گمراه شده بودیم، و هر یکی از ما به راه خود برگشته بود، و خداوند گناه جمیع ما را بر وی نهاد. او مظلوم شد اما تواضع نموده دهان خود را نگشود» (اش ۵:۵۳-۷). یوحنای رسول راجع به مسیح می فرماید: «اوست کفاره به جهت گناهان ما و نه

گناهان ما فقط بلکه به جهت تمام جهان نیز» (۱ـ یو ۲:۲).

حقیقتاً مرگ مسیح عجیب و بی‌مانند بود

۱۰ـ زنده شدن مسیح عجیب بود

جمیع پیامبران و مقدسین زمان قدیم مردند و دفن شدند و بدن‌های آنها به خاک برگشت. ولی در مورد عیسی مسیح چیز غریبی اتفاق افتاد، زیرا پس از این که مرد و دفن شد، مطابق پیشگویی خودش از مردگان برخاست! در روز یکشنبه که سومین روز پس از مصلوب شدن و دفنش بود، از قبر بیرون آمده به شاگردانش ظاهر شد. در مدت چهل روز اشخاص زیادی او را زنده دیدند و با او صحبت کردند. آنگاه در حضور شاگردانش به آسمان صعود کرد. او اکنون در آنجا نزد خدای پدر زیست می‌کند.

از تمام اشخاصی که درروی زمین زندگی کرده‌اند، عیسی مسیح تنها کسی است که بعد از مرگ زنده شده و دیگر نمرده است.

واقعاً که شخص عجیبی است!

۱۱ـ پیشگویی مسیح در مورد برگشتنش عجیب بود

هیچ کدام از انبیا قبلی پیش از وفاتشان به پیروان خود نگفتند که خواهند برگشت. لیکن عیسی مسیح مکرراً به بازگشت خود اشاره می‌کرد، و به شاگردان خود فرمود که باید بیدار و منتظر آمدن او بوده، برای یافتن نتایج اعمال خود حاضر باشند. او فرمود که در آخر دنیا با جلال از آسمان خواهد آمد و هر کس او را خواهد دید. آن وقت بر کرسی جلال خود خواهد نشست

و جمیع امت‌ها پیش او جمع خواهند شد، و بر آنها داوری کرده آنان را از یکدیگر جدا خواهد نمود، چنان که چوپان میش‌ها را از بزها جدا می‌کند، بعضی را برای حیات جاودانی و بعضی را برای عذاب دائمی.

رجعت مسیح چقدر عجیب و با جلال خواهد بود، ولی برای کسانی که او را اطاعت نکرده‌اند چقدر هولناک!

۱۲ـ مقام مسیح عجیب است

هر کسی که حقیقتاً با عیسی مسیح آشنا شود، می‌فهمد که او دارای مقامی است بالاتر از دیگران و لقب‌هایی که او داراست خود شاهد بر این است؛ زیرا بسیاری از مردم او را «روح الله» (یعنی روح خدا) می‌گویند و به «کلمهٔ خدا» نیز نامیده شده است. لیکن لقبی که بیشتر در انجیل به او داده شده «پسر خدا» می‌باشد. قبل از تولد مسیح جبرائیل فرشته به مریم مادر عیسی فرمود: «او پسر خدا خوانده خواهد شد». خدا روح است و عیسی هم پسر روحانی خدا است. عیسی غالباً خدا را «پدر من» خطاب کرد. وقتی یکی از شاگردانش از مسیح خواست که پدر آسمانی را به او نشان دهد، جواب داد: «در این مدت با شما بوده‌ام آیا مرا نشناخته‌ای؟ کسی که مرا دید پدر را دیده است. آیا باور نمی‌کنی که من در پدر هستم و پدر در من است؟» (یو ۹:۱۴و۱۰) در موقع دیگری مسیح فرمود: «من و پدر یک هستیم» هیچ کدام از پیامبران هرگز چنین ادعایی نکرده‌اند.

واقعاً مقام عیسی مسیح عالی و عجیب بود!

۱۳ـ نفوذ مسیح در دنیا عجیب است

قابل توجه است که عیسی مسیح هیچ کدام از کارهایی را که خیلی از بزرگان دنیا کرده اند انجام نداده است. مثلاً کتابی ننوشته، فتوحاتی نداشته، دولتی را تأسیس نکرده، بر تخت سلطنتی ننشسته، و چیز عجیبی مثل چراغ برق و رادیو و غیره اختراع نکرده است. بیشتر عمر او در شهر کوچکی موسوم به ناصره، جایی که مشغول نجاری بود، صرف شده و خدمت روحانی او از سه سال و نیم بیشتر طول نکشید. با وجود این او امروز معروف ترین شخص دنیاست! کتاب انجیل که شاگردانش راجع به او نوشتند، به بیش از هزار و پانصد زبان ترجمه شده و از هر کتابی که در عالم نوشته شده است، بیشتر به فروش می‌رسد. هزاران نفر از مردان و زنان وطن خود را ترک کرده به تمام دنیا برای انتشار انجیل رفته اند. در بیشتر ممالک اشخاص زیادی هستند که او را دوست دارند و افتخار می کنند که پیروان او باشند و حاضرند جان خود را در راه او نثار کنند.

کسی که بعد از هزار و نهصد سال هنوز دارای چنین نفوذ عظیمی است واقعاً شخص عجیبی می باشد!

۱۴ـ معاشرت همیشگی مسیح با پیروانش عجیب است

مسیح قبل از صعود به آسمان نه تنها پیشگویی بازگشت پرجلال خود را در آخر دنیا نمود، بلکه به شاگردان خود وعده نیز داد که همیشه روحاً با آنها خواهد بود، چنان که فرمود: «رفته همهٔ امت‌ها را شاگرد سازید ... و اینک

هر روزه تا انقضای عالم همراه شما می باشم». (مت ۲۸:۱۹-۲۰). در وقت دیگری فرمود: «جایی که دو یا سه نفر به اسم من جمع شوند، آنجا در میان ایشان حاضرم». لذا وقتی که مسیح به آسمان رفت شاگردانش تنها نبودند که محتاج باشند شخص دیگری بیاید و جای مسیح را بگیرد، زیرا خود مسیح به وسیلهٔ روحش نزد آنها باقی مانده بود، و تا امروز پیروان خود را راهنمایی و تقویت فرموده تسلی می‌دهد، آنها را می بخشد و از گناه پاک می کند و محبت خدا را برای آنها ظاهر می‌سازد. او چون کهاز مردگان برخاست و تا ابد زنده است می تواند ما را کمک نماید. مسیح میل دارد تمام بشر با او دوست باشند، پس هر کس را به سوی خود دعوت کرده می گوید: «بیایید نزد من ای تمام زحمتکشان و گران باران و من شما را آرامی خواهم بخشید». (مت ۱۱:۲۸).

دعوت دلنشین مسیح چه دعوت عجیبی است؟!

۱۵ـ یك چیز عجیب دیگر

دلایل چهارده گانه فوق برهان قاطعی است که عیسی مسیح مستحق اسم «عجیب» می باشد، یعنی اسمی که قرن‌ها پیش از تولدش به وسیلهٔ پیامبر خدا به او داده شد. همه چیز او عجیب بود، لیکن شاید آنچه از همه عجیب‌تر باشد این است که مسیح حاضر است در دل های پرگناه ما ساکن شود، زیرا می فرماید: «اینک بر در ایستاده می کوبم، اگر کسی صدای مرا بشنود و در

را باز کند بنزد او در خواهم آمد و با وی شام خواهم خورد (با او معاشرت خواهم کرد) و او نیز با من». (مکا ۳:۲۰).

دوست عزیز، این منجی عجیب امروز بر در قلب تو آمده و اجازه دخول می‌طلبد. او جان داد تا تو را از گناه نجات دهد و زیست می‌کند تا به تو حیات بخشد. او تمام غم‌ها و زحمات و احتیاجات تو را می‌داند، و مایل است تو را برکت دهد و شاد سازد.

دوست عزیز اکنون که با خواندن این جزوه با عجیب‌ترین شخص روی زمین یعنی عیسی مسیح آشنا شده اید، تصمیم شما در مورد او چیست؟

شما نمی توانید نسبت به او بی‌تفاوت باشد زیرا او تنها نجات دهنده بشر از لعنت گناه می باشد.

اگر از صمیم قلب مایلید که عیسی مسیح را به عنوان نجات دهنده خود از گناه بپذیرید، تقاضا می کنم که دعای زیر را با ایمان کامل بخوانید:

«ای عیسی مسیح خداوند، از خواندن این جزوه که راجع به خصوصیات عجیب تو است به این نتیجه رسیده ام و ایمان دارم که تو تنها نجات دهنده و خداوند بشر هستی. می‌دانم که من گناهکار محکومی می باشم و به نجات احتیاج دارم.

«ایمان دارم که تو برای رهایی من از گناه جان دادی و از مردگان برخاستی تا به من حیات جاودانی ببخشی.

«عیسی مسیح خداوند، هم اکنون قلب خود را به روی تو باز می کنم و تو را به عنوان نجات دهندهٔ خود می پذیرم. از گناه روی برمی گردانم و خود را به

تو که خداوند و مالک من هستی تسلیم می کنم. از این به بعد تصمیم دارم که فقط تو را پیروی کنم. از صمیم قلب تو را برای آمرزیدن گناهانم و عطا کردن حیات جاودانی به من شکر می گویم، آمین».

اگر واقعاً عیسی مسیح را نجات دهنده خود می دانید برطبق کلام خدا شما نجات یافته و حیات جاودانی را بدست آورده اید، و نیز جزو خانوادهٔ روحانی خدا گشته اید. چنانکه در انجیل مسیح نوشته شده است: «به آن کسانی که او (عیسی مسیح) را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند، یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد». (یو ۱:۱۲)

از شما تقاضا داریم که ما را از ایمانتان نسبت به مسیح آگاه سازید تا بتوانیم شما را در حیات تازه ای که یافته اید کمک کنیم.

* * *

* *

*